

« منم شوهر ه هستم! »

آوازهایی در باران - ۲۲: جلال مقامی به جای رابرت ردفورد

چاپ شده در : ماهنامه سینمایی فیلم ویژه نامه روز ملی سینما

زمان انتشار : ۲۱ شهریور ماه ۱۳۸۵

وقتی صدای شفاف و گوش نواز گوینده همیشگی برنامه معروف «دیدنی ها» را روی یک نقش سینمایی می شنوید، اولین خصلتی که به نقش می بخشد، چیست؟ خب، حتماً هر کس انتخاب شخصی خودش را دارد. ولی برای من این خصلت، آگاهی است. آگاهی را الزاماً به معنای دانش و دانایی به کار نمی برم. می تواند فقط نوعی حواس جمعی باشد، یا حتی فقط «متوجه بودن». این که آدمی متوجه شرایطش باشد، مثل باب در فیلم تعقیب با یک نگاه به با هم آمدن آنا (جین فاندرا) و جیم (ادوارد فاکس) بفهمد که دلداده قدیمی اش حالا با پسر مالک بزرگ چاه های نفتی منطقه است و این را فوری در لحن تلخش جاری کند، طوری که انگار از توی زندان از این قضیه آگاه بوده، به زیبایی از صدای مقامی بر می آید. بخشی از این خصوصیت البته به ضریب و جلوه های هوشی شخصیت ربط پیدا می کند که بحثش را بیشتر در یادداشت بعدی درباره کار مقامی بر روی نقش های رابین ویلیامز باز خواهیم کرد؛ ولی در محدوده نقش های ردفوردر که از نمونه ای ترین کارهای استاد است، این آگاهی یا در اصل، وقوف سریع شخصیت به حال و روزش، هم می توانست جلوه ای کمیک در بیان مقامی بیابد و هم حالتی غم انگیز و تراژیک.

شیطنت و هوشمندی خاصی که در چهره و چشمان رابرت ردفوردر آن سال ها موج - در واقع «برق»- می زد، جلوه دلپذیر و همه فهمی در صدای متین مقامی می یافت. درست مثل ردفوردر که لازم نبود میمیک خیلی منعطفی برای ادای یک دیالوگ کنایه آمیز در پابرهنه در پارک (جین ساکس، ۱۹۶۷) به صورتش بدهد یا هول و هراس را در سه روز کندور (سیدنی پولاک، ۱۹۷۵) خیلی وخیم و آشکار در بازی چهره اش به نمایش بگذارد، مقامی هم خیلی خفیف و ظریف، هر تغییر حالتی را در صدایش اجرا می کرد و به تأثیری چندبرابر آن تغییر دست می یافت. وقتی در هر یک از آن دو فیلم معروف و طلایی ردفوردر با پل نیومن، بوچ کسیدی و ساندنس کید (جرج روی هیل، ۱۹۶۹، در ایران: مردان حادثه جو) و نیش (هیل، ۱۹۷۳)، بگو و بخندها یا بحث و جدل های دو آسمان جل را می دیدیم، صدای مقامی همیشه گرایش به متانت و آرامش بیشتری داشت؛ هر چند اغلب این نیومن بود که با صدای لغزخوان تر جلیلودند، داشت راه و چاه کار را نشان می داد. حتی این آرامی هم انگار از همان آگاهی و متوجه بودن خبر می داد. گویی کاراکتر ردفوردر می دانست

عاقبت ماجرا چه می شود؛ و برای همین کمتر از آن یکی دست و پا می زد و عصبی می شد. یا اگر هم این طور بود، مقامی این اضطراب را در صدایش با همان دوز اندکی بازتاب می داد که در چهره خونسردتر ردفورد به چشم می آمد.

متن «عالی» نیل سایمون در پابرهنه در پارک با کارگردانی مکانیکی جین ساکس به فیلمی صرفاً «خوب» بدل شده؛ ولی معلوم نیست اگر همین casting درخشان ردفورد- فاندا برای زوج پل و کوری براتر نبود، چه بلایی بر سر متن می آمد. در نسخه دوبله، وضعیت فیلم از نسخه اصلی هم بهتر می شود؛ چون هم جلال مقامی و هم تاجی احمدی، لحن و جنس متلک ها و دست انداختن ها و جدی گرفتن های خاص نیل سایمونی را در حد دو تئاترشناس قهار، دریافته و درآورده اند. فصل عالی ورود تعمیرکار تلفن به خانه و این که زن هیچ ابایی از رو شدن دعوا و به هم ریختگی زندگی شان ندارد، نمونه عالی همین امر است. احمدی با تکیه به گستاخی و بی اعتنایی کوری نسبت به آبروی خانوادگی، شل و بی قید دیالوگ می گوید و مقامی اوایل فقط با اصوات ریزی تعجب پل را از این رفتار زن نشان می دهد. دیالوگ کوتاهی مثل «منم شوهره هستم» با ترجمه و واژه گزینی عالی و لحن تلخ و خودهجوگر مقامی، از همان آگاهی پیشاپیش نقش ردفوردی حکایت می کند که می داند کوری در مقابل تعمیرکار، چه نقش خنثی و قراردادی ای برای پل در نظر گرفته و کمی بعدتر، فریاد بی فایده پل بر سر تعمیرکار مفلوک، باز با لحنی که در واقع به دست و پا زدن افتاده، اوضاع پل را کاملاً رو می کند: او به جای دادی که نمی تواند سر کوری بزند، تعمیرکار را هدف می گیرد و به زور به او نوشیدنی تعارف می کند!

مقامی از جمله در ایفای صدای نقش های مست، شگرد دارد؛ از دهان و زبان شل او در تمام طول فیلم چه کسی از ویرجینیا وولف می ترسد؟ که مستی در صدایش به جای جرج سگال، خیلی محسوس تر از زوج اصلی است تا بخش های پایانی پابرهنه در پارک که پل با لایعقل شدن می خواهد به کوری ثابت کند که بلد است از زندگی اش لذت ببرد و توان ماجراجویی هم دارد. ولی باید ربع آخر این کمدی رومانতিক خاطره انگیز را باز ببینید و نوع بیان مقامی را بشنوید تا بدانید پل چه طور برای ادب کردن کوری و باز آگاهانه

و هدفمند، مستی اش را به رخ می کشد. تناقض عجیبی است که شخصیت داستان هم مست باشد و هم بخواهد خیلی آگاهانه، از مستی اش بهره برداری کند! فقط متانت و آگاهی جاری در صدای مقامی می توانست از پس اجرای این تعارض بر آید.